

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان- تی یری میسان  
برگردان از: سیلویا بیژنیان- [Sylvia Bejanian](mailto:Sylvia Bejanian)  
۲۲ فبروری ۲۰۲۰

**NATO Go Home!**

## ناتو برگرد خانه!

نظامیان ایالات متحده از دو دهه پیش به تحمیل قوانین خود در خاور میانه بزرگ می باشند. کشورهای تحت ستم، از داشتن دولتی برای محافظت از خود محروم مانده اند. ملت ها تحت دیکتاتوری عناصر اسلام گرای افراطی به ستوه آمده اند. قتل های عام دسته جمعی صورت گرفته. همچنین مردم از شدت گرسنگی کشته شده اند. این در حالی است که پرزیدنت دونالد ترامپ به افسران خود دستور داده تا سربازانشان را به کشور باز گردانند، اما پنتاگون با سربازان سازمان ناتو مصمم هستند تا اهداف خود را دنبال کنند

ولتر شبکه / دمشق (سوریه) / ۲۱ بروری ۲۰۲۰



جنرال تود د. والترز، به هنگام شرکت در شورای اتلانتیک فرماندهان ارشد نیروهای نظامی ایالات متحده برای اروپا و فرماندهی ارشد اتحادیه اتلانتیک شمالی (بروکسل ۱۲ ماه فبروری ۲۰۲۰)

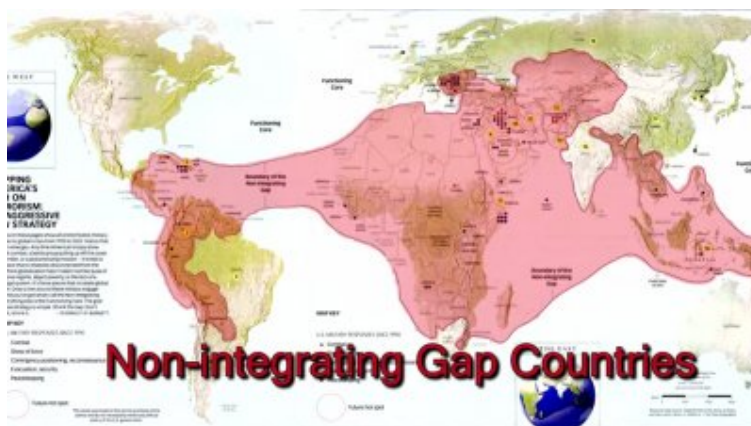
پرزیدنت ترامپ آخرین سال ریاست جمهوری خود را با برگرداندن (پسران) به خانه اختصاص داده است. تمام نظامیان ایالات متحده که در خاور میانه بزرگ و افریقا حضور دارند باید به کشور برگردند. با این که این بازگشت به این

مفهوم نیست که دولت ایالات متحده در این مناطق از حاکمیت خود دست کشیده باشد. درست عکس این موضوع صادق است.

### ستراتژی پنتاگون

سال ۲۰۰۱ - دلیل اصلی حوادث ۱۱ سپتمبر - دنبال کردن سری ستراتیژی دونالد رامسفلد و آدمیرال آرتور سبروسکی توسط ایالات متحده می باشد. این ستراتیژی در نشریه ارتش زمینی توسط کلنل رالف پیترز دو روز قبل از حوادث ۱۱ سپتمبر منتشر گردید [۱] و پنج سال بعد با انتشار نقشه ستاد ارتش برای خاور میانه جدید تأیید گردید [۲]. این نقشه توسط آدمیرال سبروسکی، توماس بارنت در یکی از نشریات بزرگ با نام نقشه های جدید پنتاگون به طور کامل توضیح داده شده است [۳].

در این نشریه مأموریت ارتش ایالات متحده با به کار گیری از فرم جدیدی از سرمایه داری نقش اصلی خود را در حوزه مالی و اقتصاد نشان داده است. از این رو دنیا باید به دو بخش تقسیم گردد. از یک سو دولت های با ثبات که در سیستم جهانی شدن قرار گرفته اند (که شامل روسیه و چین نیز می شود)، از سوی دیگر مناطق وسیعی که باید منابع طبیعی آنها غارت شود. از این رو باید به طور چشم گیری این مناطق را تضعیف کرد و در صورت امکان از میان برداشت، به خصوص زیر ساخت های دولتی آنها را نابود کرد و اجازه احیاء به آنها نداد. به قول کوندولیزا رایس (این هرج و مرج سازنده) نباید با احکام دینی اسرائیلی اشتباه گرفته شود، با این که کسانی که به سیاست مذهبی اعتقاد دارند تمام کوشش خود را در این راستا انجام می دهند. این عملیات ویرانگر نباید توسط یک ارتش مخرب باشد و هدف آن بر پائی نظام صحیحی نمی باشد. بلکه نابود سازی کلیه سازمان هائی است تا هر گونه ایستادگی توسط عناصر انسانی از میان برداشته شود، تا سازمان های فرامیلتی به غارت این مناطق روی آورند و هیچ گونه سیاست بازدارنده ای در برابر آنها قرار نگیرد. این پروژه استعماری آنگلو ساکسون است. (که نباید با استعمار ملت ها اشتباه گرفته شود).



بنا بر این نقشه، که از پاورپوینت توماس پ.م. بارنت طی کنفرانس سال ۲۰۰۳ در پنتاگون استخراج شده، کلیه زیر

ساخت هائی که به رنگ صورتی می باشند باید از بین بروند

پرزیدنت جرج بوش پسر در آغاز عملیات این ستراتیژی از جنگ بی پایان صحبت به میان آورد. در واقع منظور او پیروزی در جنگ و نابود سازی دشمنان نبوده است، بلکه با طولانی کردن زمان جنگ (تا یک قرن) باید ویرانگری ادامه داشته باشد. این ستراتیژی در خاور میانه بزرگ به کار گرفته شده، این منطقه از پاکستان آغاز می شود و تا کشور مغرب ادامه دارد و در این بین عملیات سنت کوم و بخش شمالی آن شامل آفری کوم صورت می گیرد. در گذشته

عناصر (جی آی) دست یابی ایالات متحده را به نفت خلیج فارس تضمین می کردند (دکترین کارتر). امروزه در منطقه ای که چهار برابر منطقه پیشین می باشد، هدف نابود سازی دولت های محلی است. زیر ساخت های افغانستان از سال ۲۰۰۱، عراق از سال ۲۰۰۳، لیبیا از سال ۲۰۱۱، سوریه از سال ۲۰۱۲ و یمن از سال ۲۰۱۵ نابود شده اند و این دولت ها نمی توانند از ملت های خود دفاع کنند. هدف ایالات متحده به عکس گفته هایشان نابود سازی حکومت ها نبوده است، بلکه نابود سازی دولت ها است به صورتی که هرگز نتوانند خود را احیاء سازند. به طور مثال، وضعیت ملت افغانستان پس از سرنگونی طالبان طی ۱۹ سال بهبود نیافته و بدتر هم شده است. تنها کشور سوریه است که با سنت تاریخی خود توانسته حکومت خود را با وجود جنگ حفظ کند، با این که اکنون کشوری است ورشکسته، اما از درون این طوفان توانسته خود را حفظ کند.

باید توجه داشت که برای پنتاگون اسرائیل یک دولت اروپائی است و به خاور میانه تعلق ندارد. از این رو آن را در این هرج و مرج وارد نمی کند.

در سال ۲۰۰۱، کلنل رالف پیترز، با اطمینان خاطر پاک سازی قومی را تأیید کرد، اما قوانین جنگی به ایالات متحده اجازه نمی داد تا خودش در این عملیات شرکت کند. از این رو با تغییر ماهیت القاعده، داعش را به وجود آورد تا در جنگ های نیابتی به جای پنتاگون عمل کند، اما نه به صورت رسمی.

برای درک بهتر ستراتیژی رامسفلد سبروسکی، باید تفاوت میان (بهار عربی بریتانیا) را از مدل (قیام بزرگ اعراب) جدا کرد. هدف به قدرت رساندن اخوان المسلمین بوده است، به همان گونه که لورنس عربسان توانست و هابیون را در سال ۱۹۱۵ به قدرت برساند.



**(هدف رسمی ستاد کل ارتش ایالات متحده) با این که به صورت رسمی اعلام نشده است: نابود سازی مرز های خاور میانه، همچنین از میان برداشتن دولت های دوست و دشمن و پاک سازی قومی می باشد.**

مردمان غرب به طور کلی تصور صحیحی از وضعیت جغرافیائی خاور میانه بزرگ ندارند. آنها تنها چند کشور را در این منطقه می شناسند و تصور می کنند که رابطه ای میان آنها وجود ندارد. آنها یقین دارند که وضعیت اسفناکی که برای ملت های این مناطق به وجود آمده دلیل خاصی داشته است. به صورت جنگ های داخلی، سرنگونی دیکتاتورهای خون آشام و غیره... اما هر یک از این کشورها تاریخ ثبت شده ای برای فجایع خود دارند. با این که آنها نمی توانند توضیح بدهند به چه علت این جنگ ها طولانی می شوند و اجازه نمی دهند تا کسی از آنها در این باره سؤال کند. هر بار آنها غفلت و اهمال ایالات متحده را محکوم می کنند، که قادر نیست جنگ ها را به پایان برساند، زیرا فراموش می کنند که بعد از جنگ دوم جهانی ایالات متحده چگونه المان و جاپان را احیاء کرده است. آنها پذیرفته اند که از دو دهه

پیش ، ایالات متحده طرحی را برای نابود سازی میلیون ها نفر به کار گرفته . اما مسؤولیت این جنایات را به گردن نمی گیرد.

ایالات متحده نیز منکر به کار گرفتن این ستراتیژی است و آن را از ملت خود پنهان می کند . از این روتحقیق در باره وضعیت افغانستان بودو گزارشات تهیه شده از آن توانست نشان بدهد که پنتاگون چندین بار فرصت برقراری صلح را در این منطقه داشت اما هدف دیگری را دنبال می کرد . .

### وارد شدن روسیه به صحنه

برای نابود سازی کلیه دولتهای خاور میانه بزرگ، پنتاگون جنگ داخلی منطقه ئی راه اندازی کرده. مانند جنگ میان ایران و عراق در سال (۱۹۸۰ - ۸۸). در واقع پرزیدنت صدام حسین و آیت الله خمینی به موقع متوجه شدند که این کشتار متقابل هدفی را دنبال نمی کند و علی رغم میل کشورهای غربی با یک دیگر صلح کردند.

هم اکنون ایالات متحده مخالفت میان سنی ها و شیعیان را طراحی کرده . که از یک سو عربستان سعودی و متحدانش قرار گرفته اند و از سوی دیگر ایران و متحدانش . با این که عربستان سعودی و ایران در جنگ ناتو در بوسنی-هرزگووین در کنار هم شرکت داشتند ( ۹۵-۱۹۹۲ ) ، و بسیاری از نظامیان جبهه مقاومت شیعه نبودند ( ۱۰۰ در صد در فلسطین جهاد اسلامی ، ۷۰ در صد لبنان ، ۹۰ در صد سوریه ، ۳۵ در صد عراق و ۵ در صد ایران)

هم اکنون کسی نمی دادند به چه علت این دو در برابر هم قرار گرفته اند، اما از آنها خواسته شده تا دست به قتل یک دیگر بزنند .



### یک سوم جمعیت بخش مقاومت شیعه، از شیعیان تشکیل نشده است.

پنتاگون در سال ۲۰۱۴ قصد داشت بنا بر هدف خود دو کشور جدید را معرفی کند : منطقه کردستان آزاد (یکی شدن روژاوی سوریه و دولت خود مختار کردستان عراق که بخشی از آن در ایران و بخش شرقی آن در ترکیه قرار دارد و می باید در آینده به منطقه کردستان ملحق شود) ، همچنین منطقه (سنی استان) که شامل عراق و شرق سوریه می باشد . با نابود سازی چهار دولت، پنتاگون مسیری برای ایجاد تخریب و نابود سازی کل منطقه هموار کرده است .

در این موقعیت روسیه وارد عمل شد و باعث گردید تا مرزهای تعیین شده بعد از جنگ دوم جهانی بار دیگر مورد تأیید قرار بگیرد . هر چند این مرزها پس از قرار داد سایت-پیکو - سازانو در سال ۱۹۱۵ به وجود آمده اند و گاهی نیز تحمل آن برای بعضی از دولت ها غیر قابل ممکن بوده است، اما تغییر دادن آن ها به بهای خونریزی نمی تواند قانع کننده باشد .

پیام های پنتاگون پیوسته اهداف نهائی خود را پنهان می کند . چرا که به طور علنی نمی تواند ستراتیژی رامسفلد- سبروسکی را تأیید کند و همچنین الحاق کریمه را به روسیه ناشی از به کار گیری زور توسط این کشور قلمداد می کند.

### دگرگونی پیروان ستراتیژی رامسفلد- سبروسکی

پس از دو سال تلاش کوبنده علیه پرزیدنت ترمپ، افسران ارشد پنتاگون که اکثر آنها توسط آدمیرال سبروسکی تعلیم دیده اند، با چند شرط حاضر شدند تا به رئیس جمهور ملحق شوند . آنها موافقت کردند تا دولت تروریستی (سنی استان یا خلافت) به وجود نیاید . همچنین حاضر نشدند تا با به کار گیری زور، مرزها تعیین شوند و اجازه ندادند نظامیان ایالات متحده در میدان های نبرد خاور میانه بزرگ و افریقا باقی بمانند .

در مقابل، از دادستان وفادار خود رابرت مولر خواستند تا تحقیقات خود را در ارتباط با روسیا گیت از میان بردارد، مانند اسناد علیه پاناما (۸۹-۱۹۸۷) ، لیبیا (۹۲-۱۹۸۸) ، حوادث ۱۱ سپتمبر (۲۰۰۱) که در گذشته از آن بهره برداری کرده بودند .

همه چیز بر وفق مراد انجام شد .

در ۲۷ ماه اکتوبر ۲۰۱۹ ، پرزیدنت ترمپ دستور داد تا خلیفه ابوبکر بغدادی را که چهره اصلی کمپ سنی ها بود به قتل برسانند . دو ماه بعد ، در سوم ماه جنوری ۲۰۲۰ ، او دستور داد تا فرمانده ایرانی قاسم سلیمانی به قتل برسد ، که چهره اصلی نظامی جبهه مقاومت بود .

او اینگونه نشان داد که رهبری این بازی را به عهده دارد و می تواند شخصیت های نمادین را در دو جبهه از میان بردارد و متقابلاً مورد تهاجم قرار نگیرد . وزیر امور خارجه این کشور مایک پمپئو نیز در ۱۹ جنوری توانست هدف نهائی کشورش را در قاهره اعلام کند . او پیش بینی کرده تا ستراتیژی رامسفلد-سبروسکی دنبال شود . اما این بار توسط ارتش سازمان ناتو که اسرائیل و کشورهای عربی نیز در آن شرکت خواهند داشت .

در اول ماه فیروری، ترکیه به طور رسمی به رابطه خود با روسیه خاتمه داد و چهار افسر ارشد این کشور را در ادلیب به قتل رسانید . سپس پرزیدنت اردوخان به اوکراین سفر کرد و شعار (باندریست ها) را همراه ارتش این کشور سرود (باندریست ها ارتش مزدور رایش سوم در اوکراین بوده اند که علیه اتحاد جماهیر شوروی می جنگیدند) او سپس با گارد ملی اوکراین به دیدار بریگاد اسلام گرای بین المللی (تاتار علیه روسیه) که مصطفا جمیلیف (ملقب به مصطفا کریموقلو) نام داشت شتافت .



شورای آتلانتیک شمالی قرار دادی برای مأمورین ناتو در خاور میانه بزرگ طراحی کرده است ( بروکسل ، ۱۳ ماه فیروری ۲۰۲۰ )

در ۱۲ و ۱۳ ماه فبروری، وزرای دفاع شورای آتلانتیک از عقب نشینی نظامیان ایالات متحده خبر دادند، همچنین انحلال سازمان اتحاد بین المللی علیه داعش را اعلام کردند. همچنین تأیید کردند که هیچ ارتشی برای مبارزه به کار نخواهند برد و سربازان خود را برای تعلیم دادن نظامیان عرب خواهند فرستاد، که به مفهوم داشتن نظارت بر جنگ های منطقه می باشد.

مربیان ناتو در کشور تونس، مصر، اردن و عراق مستقر خواهند شد. همچنین: کشور لیبیا از سوی غرب و شرق محاصره خواهد شد. دو دولت رقیب منطقه که شامل فیض السراج است و ترکیه و قطر از آن حمایت می کند تا کنون حدود پنج هزار تن عناصر جهادی را از سوریه و از مسیر تونس به این کشور فرستاده اند - از سوی دیگر مارشال خلیفه - که توسط مصر و امارات عربی حمایت می شود - دست به کشتار ابدی خواهد زد. امان نیز در این میان از این که توانسته بعد از جنگ دوم جهانی موقعیتی برای خود دست و پا کند، برای پوشاندن ناله های محضران، اعلامیه های صلح صادر خواهد کرد.

در این بین کشور سوریه از همه طرف محاصره خواهد شد. اسرائیل که عضو اصلی شورای آتلانتیک می باشد می تواند به دلخواه این کشور را بمباران کند. اردن نیز بهترین شریک سازمان ناتو باقی خواهد ماند. پادشاه عبدالله دوم در بروکسل توانست با مدیر سازمان ناتو، بنس ستولنتبرگ، در تاریخ ۱۴ ماه جنوری دیدار طولانی مدتی داشته باشد و در جلسه شورا نیز شرکت کند. اسرائیل و اردن در مقر سازمان ناتو دارای دفتر دائمی می باشند. عراق، از سوی سازمان ناتو تعلیمات لازم را دریافت خواهد کرد، هر چند مجلس این کشور دستور اخراج نظامیان خارجی را صادر کرده است. ترکیه که پیوسته عضو سازمان ناتو بوده، کنترل شمال لبنان را توسط جماعت اسلامی به عهده خواهد گرفت. آنها می توانند قانون (کائسار) ایالات متحده را عملی کنند و نگذارند تا هیچ سازمان در باز سازی این کشور اقدام کند.

به این ترتیب غارت خاور میانه بزرگ که از سال ۲۰۰۱ کلید خورده بود، همچنان ادامه خواهد داشت. ملت های قربانی منطقه، که تنها گناه آنها دو دستگی است، پیوسته در رنج و عذاب خواهند مرد. ایالات متحده سربازان خود را به خانه باز می گردانند، تا این بی گناهان در گرمای خانه خود بمانند، در حالی که سربازان اروپائی باید جنایات افسران ایالات متحده را به گردن بگیرند.

به گفته پرزیدنت ترمپ، سازمان ناتو می تواند نامش را در آینده تغییر دهد و به صورت سازمان ناتوی خاور میانه در آید. عملیات علیه روسیه در مرحله دوم قرار خواهد گرفت، چرا که هدف اصلی نابود سازی مناطقی است که در برنامه جهانی شدن قرار نگرفته اند.

اکنون این سؤال مطرح می شود که چگونه روسیه و چین در برابر این مرزبندی ها عکس العمل نشان خواهند داد. چین نیاز دارد تا برای پیشرفت خود از منابع خاورمیانه تغذیه کند. از این رو مجبور است تا با این چپاولگری کشور های غربی مخالفت کند- با این که به لحاظ نظامی آمادگی کامل را ندارد. به عکس روسیه، و سرزمین وسیع آن خود کفا می باشد. مسکو هیچ نیاز مادی برای مبارزه ندارد. روس ها می توانند از جهت گیری جدید سازمان ناتو احساس آسودگی کنند. اما به دلایل روحی و روانی، روسیه دست از سوریه نخواهد کشید و ممکن است از سایر اقوام خاور میانه بزرگ نیز حمایت کند.

#### مراجعات:

[۱] “Parameters, Stability, America’s Enemy”, Ralph Peters, Winter 2001-02, pp. 5-20. .Reproduit in Beyond Terror : Strategy in a Changing World, Stackpole Books

*Armed* ,Blood borders - How a better Middle East would look”, Colonel Ralph Peters“ [\[۷\]](#)

.June 2006 ,*Forces Journal*

Thomas P.M. Barnett, Putnam Publishing Group, 2004 ,*The Pentagon's New Map* [\[۷\]](#)